



## تاریخ و تحوّل روزنامه‌نویسی فارسی در هند

غلام نبی احمد\*

سرزمین هند از دیرباز با مناظر دلکش و دلربا و جذابیتهای خاص خود، پیوسته توجّه جهانیان را به خود جلب نموده. این سرزمین پهناور و کهنسال برای تحقیقات علمی، فرهنگی، دینی و ادبی آن چنان گسترده است که می‌توان به اندازهٔ قدمت آن تحقیق و پژوهش کرد؛ به طور مثال تنوع افکار، عقاید و فلسفه‌های گوناگون آن، چنان وسیع است که سالهای بسیاری را برای تحقیق می‌طلبد.

باید گفت آنچه در بالا ذکر شد، در زبان و ادبیات فارسی بازتابی گسترده دارد. وقتی که زبان فارسی در این سرزمین راه یافت، هندیان این زبان شیرین را از دل و جان پذیرفتند و تا قرن‌ها زبان رسمی آن جا بشمار می‌رفت. حتی بسیاری از اهالی هند بویژه طبقهٔ بالا (اشراف و درباریان) احساسات و عواطف خود را با زبان فارسی ابراز می‌کردند. هندیان در ترویج و اشاعهٔ این زبان، خدمات ارزنده و سهم بسزایی داشتند. سخنوران برجسته و نویسندگان چیره‌دست، دانشمندان نامور، پژوهشگران و منتقدان مایه‌ور، دستورنویسان و فرهنگ‌نویسان مشهور و تاریخ‌نویسان معروف پیدا شدند که تا به حال مثل ستارهٔ زهره درخشان و تابان‌اند. ناگفته نماند که تحت تأثیر و نفوذ آنان، در ادبیات فارسی یک روش و طرز تازه یعنی «سبک هندی» بوجود آمد که مورد پسند ایرانیان هم قرار گرفت.

\* - دستیار پژوهندهٔ کتابخانهٔ خدا بخش، پتنا.

هندیان در زمینه روزنامه‌نویسی فارسی هم مثل علوم و فنون دیگر نقش مهمی ایفا نمودند که می‌توان اعتراف کرد حتی از ایران و دیگر کشورهای فارسی زبان سبقت گرفتند و این برای هندیان باعث افتخار و سربلندی است.

در زمان قدیم، وقایع‌نگاری و اخبارنویسی خطی فارسی نیز در هند رایج بود. در دوره سلطنت دهلی هم گزارش رویدادها و وقایع تهیه می‌شد. سپس اخبارنویسی فارسی در زمان فرمانروایان مغول به صورت خاصی در این سرزمین رواج یافت. تحت توجه شاهان مغول برای جمع‌آوری گزارش حوادث و وقایع، در هر شهر و منطقه، اخبارنویسان و وقایع‌نگاران را گماشته بودند. تاریخ‌نویس مشهور آقای جادونات سرکار، راجع به این موضوع نوشته است که در عهد مغول دولت مرکزی برای تهیه و جمع‌آوری خبرها چهار دسته تعیین کرده بود:

- الف - وقایع‌نگار.
- ب - سوانح‌نگار.
- ج - خفیه‌نویس.
- د - هرکاره.

آنان فعالیتها و وظیفه‌های خود را بسیار خوب انجام می‌دادند. علاوه بر این، در دربارهای شاهان، نوابان، راجگان و امیران اثری به شکل روزنامه‌چه یا بیاض تهیه می‌شد. در این نوع روزنامه‌ها یا روزنامه‌چه‌ها کارهای روزانه و فرمان شاه، احکام صادره رسمی، اخبار سیر و تفریح نیز درج می‌شد که اطلاعات مهمی درباره رسم و آیین امیران و فعالیت‌های درباریان به همه می‌داد؛ مثلاً اخبار دربار معلی، اخبار دارالخلافة شاهجهان‌آباد، اخبار دیورهی و غیره. اما این روزنامه‌های فارسی از حیث شکل و قالب، عناوین، مضامین و مندرجات مثل بخشنامه درباری یا دفتری، بیاض یا جنگ یا روزنامه‌چه محسوب می‌شد.

اما روزنامه‌های کنونی و به سبک و شیوه تازه، به عنوان یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن نوین اروپایی در هند شناخته می‌شود که انتشار آن بعد از ابتکار و اختراع چاپ، به صورت چاپی آغاز گردید.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی، راجه رام مؤهن رای که از بیدارکنندگان اجتماع هند بوده، نخستین روزنامه فارسی را به نام مرآة الاخبار - به منظور بیداری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - در تاریخ بیست آوریل سال ۱۸۲۲ م به چاپ رساند. این روزنامه تاریخی نه فقط در هند بلکه در سراسر جهان به عنوان اولین روزنامه فارسی چاپی شناخته می‌شود. اگرچه در میان پژوهشگران راجع به نخستین روزنامه، تفاوت نظر بسیار بچشم می‌خورد؛ یک گروه مرآة الاخبار و گروه دیگر جام جهان نما را اولین روزنامه فارسی چاپی قلمداد کرده‌اند، اما بعد از بررسی و تحلیل منابع و مآخذ، صد در صد آشکار گردید که مرآة الاخبار اولین روزنامه چاپی بود که نه فقط در هند بلکه در جهان انتشار یافت. سپس در هند بسیاری از روزنامه‌های فارسی انتشار یافت که در شکوفایی اذهان و اصلاح افکار مردم جهت بیداری سیاسی و آزادی هند نقش کلیدی را بازی می‌کرد.

۱ - مرآة الاخبار

چنانکه گفته شد، این اولین روزنامه فارسی بود که تحت مدیریت و سردبیری راجه رام مؤهن رای به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ م در کلکته آغاز به انتشار کرد و هفته‌ای یک مرتبه در روز جمعه منتشر می‌شد و تا یک سال؛ یعنی به تاریخ ۴ آوریل ۱۸۲۳ م مرتباً ادامه داشت. وقتی که در سال ۱۸۲۲ م جان آدم فرماندهی کل هند را به عهده گرفت و در ۱۴ مارس در سال ۱۸۲۳ م قانونی تازه در مورد چاپخانه و روزنامه هندوستان نوشته شد که در آن همه مدیران و دبیران قبل از انتشار روزنامه یا مجله باید از دبیر کل دولت کمپانی شرق پروانه بگیرند، علیه این قانون، راجه رام مؤهن رای با دیگر آقایان چون دوارکانات

تاگور، پرشون گمار تاگور، چندر گمار تاگور، هر چندر گوش و گوری چرن بنزچی، در دادگاه عالی اعتراضنامه‌ای نوشتند ولی قاضی دادگاه که یک نفر انگلیسی بود به خاطر تعصب ملیتی خود، توجهی نکرد. راجه رام مؤهن رای برخلاف این قانون که علیه روزنامه‌های هندی بود، روزنامه خویش - مرآة الاخبار - را از جهت اعتراض تعطیل کرد. متأسفانه در هیچ کتابخانه دولتی یا شخصی، نسخه اصلی این روزنامه وجود ندارد. بدین سبب در مورد تاریخ آغاز و انتشار آن تفاوت نظر پیدا شده. اما منبع معتبری موسوم به ژورنال کلکته<sup>۱</sup> که همان زمان به توسط جیمس سلک بکنگم به زبان انگلیسی منتشر می‌شد، درباره روزنامه مرآة الاخبار اطلاعات مهمی به دست می‌دهد؛ زیرا این روزنامه مرتباً فهرست مضامین و مقالات روزنامه‌های هندوستانی را به انگلیسی چاپ می‌کرد. این، تنها نشانگر آن است که روزنامه انگلیسی ژورنال کلکته توجه خاصی به راجه رام مؤهن رای و روزنامه‌اش داشته است. رام مؤهن رای در سرمقاله نخستین شماره مرآة الاخبار علت و هدف انتشار روزنامه را چنین اظهار نموده است که در ژورنال کلکته به چاپ رسید:

"چند کسانی به منظور پیشرفت و ترقی مردم هند خبرهای داخلی و خارجی را به زبان انگلیسی منتشر می‌کنند. آنها که به زبان انگلیسی آشنا هستند، استفاده می‌برند ولی زبان انگلیسی در تمام منطقه‌های هند فهمیده نمی‌شود و کسانی که به زبان انگلیسی نابلد هستند، از اوضاع و احوال بی‌خبر و بیگانه می‌مانند. به این منظور، جهت انتشار روزنامه هفتگی به زبان فارسی اقدام کردم؛ آرزو دارم که همه افراد طبقه بالای هند که به این زبان آشنا هستند، از آن بهره‌مند شوند و هر کس که این روزنامه را برای مطالعه می‌خواهد، برای فرستادن آن حاضر هستم"<sup>۲</sup>.

1- Calcutta Journal.

2- Calcutta Journal, 23rd April, 1822, Vol. II, No. 98, p.583.

این اولین سرمقاله روزنامه مرآة الاخبار بود. و از این آشکار می‌گردد که مرآة الاخبار نخستین روزنامه فارسی در هندوستان بوده است و قبل از این هیچ روزنامه فارسی در هند منتشر نگردیده، و نیز نشان می‌دهد که راجه رام مؤهن رای برای دادخواهی و آزادی و روشن ساختن اذهان و افکار مردم و احیا کردن اجتماع هند، سعی و تلاش بسیار کرده است.

به طور کلی می‌توان گفت که راجه رام مؤهن رای به فرهنگ و تمدن قدیم افتخار می‌کرد و احساسات و شور زیادی برای احیای اجتماع هند در دل خود داشت و در مورد آزادی هند، قلم و ذهن خویش را به خدمت گرفته بود. خبرهای روزنامه راجه رام مؤهن رای بیشتر مبنی بر جنبه انتقادی نسبت به بدرفتاری و نابسامانی اجتماعی بود. همچنین علیه سنتهای زشت و پوسیده جامعه و رسم و آیین ناشایسته آن؛ مثل آیین ستی<sup>۱</sup> که برای همیشه ممنوع شد.

## ۲- جام جهان نما

پس از روزنامه مرآة الاخبار، جام جهان نما دومین روزنامه چاپی به زبان فارسی در هند محسوب می‌شود که در ایالت بنگال در شهر کلکته به چاپ می‌رسید. پیشتر یادآور شدیم که در میان محققان در مورد اولین روزنامه نظریات و دیدگاههای مختلفی وجود دارد؛ از آن جمله سانیا، عبدالعلی، مارگریتا بارس، مولانا امداد صابری و غیره جام جهان نما را اولین روزنامه فارسی دانسته‌اند. طبق گفته آنان، تاریخ آغاز به انتشار این روزنامه ۲۸ مارس ۱۸۲۲ م است. گروهی دیگر که عبارت‌اند از محمد عتیق صدیقی، عبدالسلام خورشید و اسلم صدیقی و غیره، نیمه ماه مه سال ۱۸۲۲ م را قید کرده‌اند. بنا به گفته اسلم صدیقی، اولین دفعه روزنامه جام جهان نما در ۲۸ مارس ۱۸۲۲ م در خانه بازرگانی انگلیسی انتشار یافت که تماماً به زبان هندوستانی (اردو) بود. بخش

۱- ستی در میان هندوان؛ یعنی خوردسوزی زن در کنار جسد شوهر.

فارسی آن در ۱۶ مه ۱۸۲۲ م در هشتمین شماره اضافه شد. علاوه بر این، هفته‌نامه‌های دیگری به نام سنباد کمودی و کلکته ژورنال نیز نشان می‌دهند که جام جهان نما اولین دفعه به زبان اردو انتشار یافت و بعد از شماره هفت (۱۶ مه ۱۸۲۲ م) یک بخش فارسی نیز به آن ضمیمه شد که خیلی زود شهرت فراوان کسب کرد. طبق گفته گراهام بیلی: "تا ۱۵ اکتبر ۱۸۲۲ م ضمیمه فارسی جام جهان نما شهرت بسیار گرفت و بر روزنامه اردو سبقت جست"<sup>۲</sup>.

صاحب و مالک این روزنامه ویلیام پیرس هاپکنس<sup>۳</sup>، سردبیر لاله سداسوک و مدیر و ناشر آن هاری هردت بودند. ترتیب صفحات آن از این قرار بوده، بر روی صفحه، علامت مخصوص کمپانی هند شرقی ثبت و زیر آن نشان نام روزنامه جام جهان نما نوشته شده بود. همچنین به ترتیب زیر اسم روزنامه، تاریخ و شماره آن درج، و در زیر تاریخ آن، قیمت روزنامه به زبان انگلیسی نوشته شده بود. ترجمه این بخش به قرار زیر است:

"حضرات عالی اروپاییان برای ذوق مطالعه خودشان یا به منظور اشاعت و ترویج علوم و فنون در میان کارمندان هندی که در اداره‌شان کار می‌کنند، اگر می‌خواهند از این روزنامه خریداری کنند، از کوچه تارا چند دت، محله کولو به وسیله انسانی و مطالعات فرنگی سال جامع علوم انسانی در خواست، قیمت سه روپیه در ماه نیز اردو ضمیمه، حاصل بکنند."  
این هفته‌نامه در ابتدا بیشتر برای استفاده اروپاییان بویژه آنهایی که اغلب در شهر کلکته زندگی می‌کردند، چاپ می‌شد تا با مطالعه این روزنامه به زبان هندوستانی (اردو) آشنایی و رغبت حاصل بکنند. تیراژ (شمارگان) ۱۳ نسخه آن در شهر کلکته به فروش

1- Md. Aslam Siddiqui: *Persian Press in India, Indo-Iranica*, 1947, p.17.

۲- نصرت الاخبار، دهلی، یکم اوت ۱۸۷۶ م.

3- William Peris Hopkings.

تاریخ و تحول روزنامه نویسی فارسی در هند

می‌رسید. از تعداد باقی مانده ۹ نسخه به شهرهای اورنگ آباد، رنگ پور، بنارس، فتح گ گوالیار و ۲ نسخه به دهلی و ۲ نسخه به لکهنو ارسال می‌گردید.

### ۳- شمس الاخبار

روزنامه شمس الاخبار تحت مدیریت و سردبیری ماتورا مؤهن مِتْرا<sup>۱</sup> در سال ۱۸۲۳ م در شهر با علم و هنر کلکته به چاپ می‌رسید. این روزنامه دارای دوازده صفحه بود که از چاپخانه شخصی مدیر آن، هفته‌ای یک بار در روز جمعه انتشار می‌یافت. اما به گفته امداد صابری، روزنامه شمس الاخبار تحت مسؤولیت یک نفر دیگر هم به مئی رام تاگور منتشر می‌شد<sup>۲</sup>. و پس از چند سال انتشار، به علت مشکلات مالی و عدم تعاون و بی‌توجهی‌ها و عدم پشتیبانی مشترکین، در سال ۱۸۲۸ م تعطیل گردید. مدبر اوضاع نامساعد و اسف بار آن را به توسط شعری اظهار کرده است:

### ۴- اخبار سی رام پور

روزنامه‌ای فارسی به نام سی رام پور در اوایل سال ۱۸۲۶ م در سی رام پور، ایال بنگال به شکل هفته‌نامه انتشار می‌یافت و تا ماه مه سال ۱۸۲۸ م ادامه داشت. از طرف دولت انگلیسی، ۱۶۰ عدد نسخه از این روزنامه به عنوان کمک مالی خریداری می‌شد علاوه بر کارکنان اداره‌های دولتی، به شهرهای دهلی، آگره و دانشکده کلکته و بنارس - شش شماره برای هر کدام - ارسال می‌گردید.

به علت عدم کمک و پشتیبانی دولتی، در سال ۱۸۲۸ م مجبور به تعطیل گردید. یکی از ویژگیهای روزنامه سی رام پور این بود که خبرهای روزنامه بنگالی را به زبان فارسی ترجمه می‌کرد و در این روزنامه به چاپ می‌رساند.

این روزنامه نیز که یکی از پایگاه‌های علم و ادب قرن نوزدهم میلادی در کلکته بود، انتشار آن در فوریه ۱۸۳۱ م به طور هفته‌نامه در روز دوشنبه آغاز گردید که دارای شانزده صفحه بود. در این روزنامه همیشه نو آوری به نظر می‌رسید؛ زیرا از شماره ۱۲۷ بر روی صفحه اول آن به مناسبت اسم روزنامه، شعر حافظ شیرازی بچشم می‌خورد:

آیینة سکندر جام جم است بنگر  
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک داوا

در هیچ جای روزنامه اسم مدیر پیدا نشده است. امداد صابری از مطالعه نامه‌های غالب نشان داده است که مدیر آن سراج‌الدین بود؛<sup>۱</sup> زیرا اسدالله خان غالب - سخنور نامدار - به نام مولوی سراج‌الدین درباره اشتراک آیینة سکندر سفارشی کرده بود. نیز از لحاظ روابط دوستانه‌ای که بین مدیر و غالب بود، غزلهای فارسی غالب در این روزنامه منتشر می‌شد. محمد عتیق صدیقی هم با ارجاع به دکتر عبدالستار صدیقی، مولوی سراج‌الدین را مدیر روزنامه آیینة سکندر معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

روزنامه آیینة سکندر مثل روزنامه‌ها و جریده‌های دیگر، معمولاً جنبه خبری داشت؛ یعنی اخبار داخلی و خارجی را به چاپ می‌رسانید؛ مثل اخبار فرانسه، ایتالیا، آمریکا، هلند، چین، انگلستان، استانبول (ترکیه)، سنگاپور، روس، رنگون، یونان، مصر قندهار، دمشق، کابل، ایران، پرتغال، بغداد و غیره که نشانگر شهرت و مقبولیت آن می‌تواند به حساب آید. نیز شعر فارسی و اردو در آن چاپ می‌شد.

#### ۶- آگره اخبار و زبده الاخبار

اولین روزنامه فارسی در شمال هند در شهر آگره تحت مدیریت و دبیری منشی واجد علی به نام زبده الاخبار در سال ۱۸۳۳ م به چاپ رسید؛ اگرچه آقای کی‌ری نوشته

۱- امداد صابری: تاریخ صحافت اردو، ج ۱، ص ۸۰.

۲- محمد عتیق صدیقی: هندوستان اخبار نویسی کمپنی کے عہد میں (اردو)، ص ۲۳۸.

است که یک سال قبل از انتشار روزنامه زبده الاخبار در آگره روزنامه‌ای فارسی به نام آگره اخبار توسط هینڈرسن<sup>۱</sup> در چاپخانه آگره مطبوع گشت؟ بنا به گفته محمد عتیق صدیقی آن وقت که زبده الاخبار منتشر گردید، آگره اخبار تعطیل شده بود.<sup>۲</sup> با این حال امداد صابری درباره آگره اخبار نوشته است که در سال ۱۸۳۴ م زبده الاخبار تغییر نام یافت.

روزنامه زبده الاخبار در زمان خود یکی از ارزشمندترین و نامی‌ترین روزنامه‌های فارسی بشمار می‌رفت. یکی از ویژگیهای مهم آن این بود که این روزنامه همیشه مورد توجه روزنامه‌های انگلیسی بود و مطالبی از آن اخذ و اقتباس می‌کردند و این برای زبده الاخبار افتخار به حساب می‌آمد.

اثر، نفوذ و اهمیت این روزنامه در میان شاهان و نوابان زیادتر بود و از طرف ایشان پول به طور ماهیانه - عطیه یا کمک - پرداخت می‌شد. واجد علی، فرهنگ و تمدن غربی را هیچ وقت نمی‌پسندید، همیشه به افکار و عقاید غربی و هدف تبلیغی مسیحی، آزادانه و دلیرانه انتقاد می‌کرد و طنز می‌گفت و به حمایت دین اسلام، قلم خویش را می‌راند؛ از این لحاظ در میان مسلمانان خیلی معروف و مقبول بود.

#### ۷- ماه عالم افروز

این روزنامه در سال ۱۸۳۳ م به سرپرستی مولوی و حاج‌الدین آغاز گردید و هفته‌ای یکبار در روز سه‌شنبه در شانزده صفحه انتشار می‌یافت. در پایان برخی از شماره‌ها محل چاپخانه و نام مالک چنین اشاره شده است:

"در چهارپه خانه محلّه کلبه، متصل مدرسه مالک حاجی و حاج‌الدین صاحب"

1- Hindurson.

2- Mr. Carey: Good Old Days of Honorable John Company, Vol. 1, p.448.

۳- محمد عتیق صدیقی: هندوستانی اخبار نویسی، ص ۲۳۶.



اخبار و وقایع نادر و فوق‌العاده ملی و بین‌المللی، در این روزنامه به چاپ می‌رسید؛ مثل کابل، روم، دمشق، هرات، بغداد، بخارا، خراسان، قندهار، ایرلند، انگلستان، فرانسه، روس، نپال و غیره. همچنین اخبار داخلی مثل لاهور، لودیانه، امرتسر، پشاور، پونا، اندور، کشمیر، اجمیر، کلکته، لداخ، پنجاب، هریانه، حیدرآباد، جی‌پور، آگره، بنارس، لکهنو، بهار و غیره.

علاوه بر اخبار سیاسی و اجتماعی، گاه‌گاهی در زمینه ادبیات هم مطالبی در آن به چاپ می‌رسید.

#### ۸- سلطان الاخبار

روزنامه سلطان الاخبار در تاریخ ۱۲ اوت ۱۸۱۵ م با مدیریت و سردبیری رجب علی لکهنوی به زبان فارسی در کلکته انتشار یافت. این روزنامه نیز هفته‌ای یکبار در روز یکشنبه منتشر می‌گردید که شانزده صفحه داشت.

سلطان الاخبار یکی از مهمترین و سرشناس‌ترین روزنامه‌های فارسی محسوب می‌شود که در زمینه بیداری اجتماعی و آزادی هند نقش فوق‌العاده‌ای بازی کرده است. از نظر موضوع، محتوی، اهداف و کارنامه‌ها، از تمام روزنامه‌های معاصر مقام و مرتبه بلند و بالاتری را دارا بوده. ناگفته نماند که رجب علی، مردی آزادیخواه و نویسنده‌ای بزرگوار و خوشبین بوده که توسط این روزنامه در زمان نهضت آزادی هند در سال ۱۸۵۷ م نقش مهمی ایفا نموده است و آزادیخواهان را صد در صد تشویق و پشتیبانی نموده، با شجاعت و شهامت علیه رژیم ستمکار و مستبد انگلیسی سخن رانده است.

#### ۹- اخبار لودهیانه

انتشار این روزنامه از طرف مبلغان مسیحی آمریکایی به زبان فارسی در ژانویه ۱۸۳۵ م در شهر لودهیانه آغاز گردید. در ابتدا، پنج سال در چهار صفحه بود اما بعد از ۶ ژوئن ۱۸۴۰ م تعداد صفحات به هشت رسید. اخبار لودهیانه ترجمان افکار و عقاید گروهی مبلغ مسیحی آمریکایی بود، ولی بعداً مضامین علمی، تاریخی و جغرافیایی را



هم شامل گردید. مهم‌ترین ویژگی و جالب‌ترین نکته آن این که: همیشه از خبر لاهور آغاز می‌شد و غالباً به خبرهای لودهیانه ختم می‌شد. علاوه بر وقایع و حوادث سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی، مضامین علمی، ادبی، تاریخی و مقالات مذهبی هم بچشم می‌خورد. چند شماره این روزنامه که مربوط به سالهای ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۰ م است، در آرشیو ملی هند نگهداری می‌شود.

#### ۱۰- سراج الاخبار

این روزنامه در دور آخر سلسله مغول - بهادر شاه ظفر - تحت مدیریت سید اولاد علی در سال ۱۸۴۱ م در شهر دهلی به شکل هفتگی انتشار می‌یافت که جهت اخبار و وقایع قلعه معلی به زبان فارسی منتشر می‌شد؛ و یک روزنامه درباری بحساب می‌آمد. این روزنامه در هشت صفحه بود. اولین قسمت در پنج صفحه نخست، مربوط به کارگزاری‌های روزانه شاه و درباریان بود و در بقیه صفحات، اخبار وقایع مناطق دیگر شهر دهلی منتشر می‌شد. همچنین در آن عریضه‌ها و شکایات عموم هم به چاپ می‌رسید. علاوه بر این، مضامین علمی و ادبی چون غزل‌های میرزا غالب و ذوق و پادشاه بهادر شاه ظفر منتشر می‌شد.

سراج الاخبار مربوط به دربار بود؛ بنابراین زبان، بیان و سبک نوشتاری آن خیلی فصیح، بلیغ و متکلفانه بود، که این خود شأن و مقام دربار مغول را می‌رساند.

#### ۱۱- مهر منیر

مهر منیر اولین روزنامه فارسی بود که هفته‌ای سه بار؛ یعنی روزهای شنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه تحت مدیریت محمد علی انتشار می‌یافت. تاریخ انتشار اولین شماره، یکم مه ۱۸۴۱ م، در چهار صفحه و بر سرورق، این شعر درج شده بود:

از عنایات کردگار قدیر گشت مهر منیر عالم گیر

علاوه بر اخبار و وقایع سیاسی، گاه‌گاهی شعر فارسی هم به چاپ می‌رسید که روزنامه از حیث ادبی، مورد توجه و علاقه مردم قرار گرفت.

تاریخ و تحوّل روزنامه‌نویسی فارسی در هند  
از شماره ۵۴، در تاریخ ۳۱ اوت ۱۸۴۱ م، روز سه‌شنبه، در آخر روزنامه این شعر  
به نظر می‌رسید:

ضیا بخش گردید عکس وقایع از این وجه گفتیم مهر منبرش  
۱۲- احسن الاخبار

بمبئی نیز مثل شهرهای دیگر، در زمینه روزنامه‌نویسی جای مهمی دارد. اولین  
روزنامه فارسی در این شهر به نام احسن الاخبار منتشر گردید. راجع به مدیر و سردبیر و  
تاریخ چاپ و چاپخانه این روزنامه اطلاعات زیادی بدست نیامد. آن منابع که محمد  
عتیق صدیقی از قول عبدالرزاق نوشته است، نشان می‌دهد سال انتشار ۹ نوامبر ۱۸۴۴ م  
است.<sup>۱</sup>

بیشتر خبرهای این روزنامه مربوط به دهلی و قلعه شاهی بوده است. یکی از  
خبرهای مهم آن مربوط به گرفتاری میرزا اسدالله خان غالب به جرم قماربازی بود که در  
روزنامه، در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۸۴۸ م به چاپ رسید.<sup>۲</sup> این روزنامه از این لحاظ هم دارای  
ارزش و اهمیت تاریخی است.

### ۱۳- اعظم الاخبار

روزنامه اعظم الاخبار در سال ۱۲۶۵/هـ ۱۸۴۸ م در شهر مدراس - جنوب هند -  
شروع به کار کرد.<sup>۳</sup> در اصل، این روزنامه به زبان اردو بود، اما یکی دو صفحه نیز به زبان  
فارسی چاپ می‌کرد که دولسائین (دو زبانه) بود.<sup>۴</sup> ولی بعد از ۱۱ مارس ۱۸۵۲ م بخش  
فارسی را رها کردند.<sup>۵</sup> اسم این روزنامه به نام نواب کرنا تک محمد غوث خان اعظم

۱- محمد عتیق صدیقی: هندوستانی اخبار نویسی، ص ۲۵۶.

۲- احسن الاخبار، ۲۵ جون (ژوئن)، ۱۸۴۷ م.

۳- امداد صابری: تاریخ صحافت اردو، ج ۱، ص ۲۶۳.

۴- دکتر محمد افضل‌الدین اقبال: جنوبی هند کی اردو صحافت (اردو)، ص ۲۹.

۵- همان.

تاریخ و تحوّل روزنامه‌نویسی فارسی در هند  
نگاشته و بر سرورق آن نشان دولت نواب درج می‌شد. در این روزنامه، اخبار و  
مندرجات از قول گلشن نوبهار، سلطان الاخبار، قران السعدین و مجمع الاخبار چاپ  
می‌شد. علاوه بر آن، اشعار فارسی عبدالغفور مهجور، محمد مهدی علی خان بهادر  
مرشدآبادی، حشمت، حیدری، فرحت و غیره را منتشر می‌کرد.

### ۱۴- گلشن نوبهار

روزنامه گلشن نوبهار تحت مدیریت عبدالقادر در یکم فوریه سال ۱۸۵۱ م در شهر  
کلکته انتشار یافت و تا سال ۱۸۵۷ م ادامه داشت. امداد صابری راجع به این روزنامه در  
کتاب خویش اطلاعات فراوانی فراهم نموده است.<sup>۱</sup>

این روزنامه همیشه بی‌باکانه و دلیرانه علیه ظلم و ستم انگلیسی فریاد سر داده و بر  
تمام خط‌مشی نادرست که بر ضد مردم هند بوده، انتقاد کرده و طنز نوشته است. مدیر  
آن در نهضت آزادی ۱۸۵۷ م با آزادیخواهان شرکت جست و توسط روزنامه گلشن نوبهار  
در فعالیتهای سیاسی و بیداری مردم نقش کلیدی ایفا نموده است. به علت قیام و اینگونه  
فعالیتها، حکومت انگلیسی چاپخانه گلشن نوبهار را در سال ۱۸۵۸ م ضبط و روزنامه را  
تعطیل کرد.

این روزنامه، علاوه بر اخبار سیاسی، در زمینه ادبی غزل‌های جالب و دلنشین هم  
به چاپ می‌رساند و سبک نوشتاری آن خیلی ساده، سلیس و چاپ آن زیبا بود.

### ۱۵- مفرح القلوب

این روزنامه در شهر کراچی در سال ۱۲۷۲/هـ ۱۸۵۵ م تأسیس گردید و تا سال ۱۳۰۲/هـ  
۱۸۸۴ م تقریباً سی سال به طور هفتگی جاری بود. در این دوره طولانی، چندین ناشر و  
مدیر عوض شد؛ مثل محمد شفیع، میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق مشهدی  
و غیره که خدمات شایانی انجام داده‌اند. بر سرورق، شعر زیر نقل می‌شد:

۱- امداد صابری: تاریخ صحافت اردو، ج ۱، ص ۹۵.

ای نام تو راحت دل و جان سرمایه فرحت فراوان

هر شماره روزنامه مفرح القلوب دارای دوازده صفحه بود. علاوه بر اخبار داخلی و خارجی، مقالات در موضوعات مختلفی منتشر می‌شد؛ همچنین شعر فارسی نیز چاپ می‌شد.

۱۶- آزاد

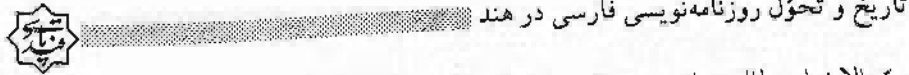
روزنامه آزاد در سال ۱۸۸۵ م در شهر دهلی انتشار یافت. از این روزنامه، اطلاع زیادی بدست نیامده است؛ زیرا نسخه آن یافته نشد. تنها منبع معتبر، روزنامه سیدالاکبار است که در همان زمان در حیدرآباد انتشار می‌یافت و وجود این روزنامه را اعلام می‌کند. از قول سیدالاکبار صدر هاشمی نوشته است که مبارزه و کشمکش ادبی و قلمی همیشه بین روزنامه آزاد و روزنامه سیدالاکبار وجود داشت.<sup>۱</sup>

۱۷- سیدالاکبار

روزنامه سیدالاکبار به مدیریت آقای سید شیرازی در سال ۱۸۸۸ م در حیدرآباد تأسیس شد که در هشت صفحه به چاپ سنگی هفته‌ای یکبار روزهای شنبه منتشر می‌شد. طبق گفته پرفسور برون، سی و پنج شماره از سیدالاکبار (شماره اول، هشتم دسامبر ۱۸۸۸ م و شماره سی و پنجم، دوم اوت ۱۸۸۹ م) در موزه بریتانیا، لندن موجود است. بر روی صفحه اول - مثل روزنامه ایران - علامت دولت شیر و خورشید وجود داشت و زیر آن تصویر، شعرهای فارسی و عربی در توصیف و ستایش روزنامه نوشته می‌شد که در همه شماره‌ها درج می‌شد.

این روزنامه بسیار آموزنده، پرخبر و دارای اطلاعات و اخبار تلگرافی خارجی هم بود و مقالات مهم سیاسی - جهت روابط ایران و روس - در آن نوشته می‌شد و اخبار خارجی روزنامه‌های مشهور انگلیسی را نیز ترجمه و چاپ می‌کرد. در برخی از شماره‌های

۱- محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران. ج ۱، ص ۱۲۸.



سیدالاکبار مطالبی راجع به سفر سوّم ناصرالدین شاه قاجار به اروپا به چاپ رسید.

۱۸- کوکب ناصری

روزنامه کوکب ناصری تحت مدیریت میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی و دکتر سبلوستر در سال ۱۸۹۱ م در شهر بمبئی انتشار یافت که به چاپ سنگی و خط نستعلیق و اندازه ۱۱/۵ × ۱۷/۵ اینچ بود.

قیمت سالیانه این روزنامه در بمبئی ۱۵ قران، برای دیگر ناحیه‌های هند و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران و در شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران مقرر شده بود.

۱۹- جبل المتین

جبل المتین یکی از سرشناس‌ترین و پرارزش‌ترین روزنامه‌های فارسی بشمار می‌رود که انتشار آن تحت مدیریت سید جلال‌الدین حسینی کاشانی ملقب به مؤیدالاسلام در سال ۱۸۹۳ م در کلکته آغاز گردید و هفته‌ای یکبار روزهای دوشنبه در بیست و چهار صفحه چاپ می‌شد.

روزنامه جبل المتین تا مدت طولانی در هند منتشر شد که مقالات مفصلی درباره وقایع و حوادث ایران می‌نوشت. علاوه بر خبرهای هندوستان خبرهای مصر، عراق، روسیه، ترکیه و غیره را هم چاپ می‌کرد. یکی از خصوصیات روزنامه جبل المتین این بود که به مدت ده سال هر هفته پنج هزار نسخه از آن برای روحانیان نجف و علمای ایران و دیگر روشنفکران به شکل رایگان فرستاده می‌شد. روزنامه جبل المتین نفوذ بسیاری پیدا کرد، تا جایی که مورد توجه اشخاص مذهبی قرار گرفت. بنا به گفته پرفسور برون، از حیث قهرمان، «اتحاد اسلامی» محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> وقتی که در سال ۱۹۰۱ م مدیر روزنامه علیه روس - درباره وام - مقالاتی تند و سخت نوشت، شاه ایران آن را خطر عظیم دانسته، مدت چهار سال ورود آن را به ایران ممنوع ساخت.

۱- پرفسور ای. جی. برون: تاریخ مطبوعات و ادبیات مشروطیت، ترجمه از محمد عباسی، ج ۱، ص ۲۳۶.



به طور کلی می‌توان گفت روزنامه حبل‌المثین در زمینه آزادی و بیداری ایرانیان خدمات ارزنده و گرانمایه‌ای انجام داده است و علیه رژیم استبدادی، دیکتاتوری شاه، وزیران، سیاستمداران و رجال ایرانی، آزادانه و دلیرانه انتقاد نموده و یکی از پایه‌های کاخ مشروطیت و عوامل مؤثر پیدایش نهضت آزادی ایران بوده است. نسخه‌های این روزنامه مربوط به سالهای اکتبر ۱۹۰۰ م تا سپتامبر ۱۹۰۱ م و ۱۹۰۶ م تا ۱۹۱۱ م و ۱۹۱۴ م تا ۱۹۱۶ م در کتابخانه خدا بخش نگهداری می‌شود.

### ۲۰- مفتاح‌الظفر

مثل حبل‌المثین این روزنامه هم تحت مدیریت و سرپرستی سید جلال‌الدین حسینی کاشانی و برادرش سید حسن کاشانی از تاریخ یکم سپتامبر ۱۸۹۷ م در شهر کلکته به طور هفتگی انتشار می‌یافت و دارای شانزده صفحه بود. بر روی صفحه اول «زیر اسم روزنامه - همیشه «بنام خسرو گیتی» (مظفرالدین شاه) طرف راست آن، اسم مدیر و سرپرست و نشانی اداره بدین قرار نوشته می‌شد: "سرپرستی مدیر محترم حبل‌المثین جلال‌الدین حسینی مدیر کل میرزا سید حسن کاشانی، محل اداره کلکته فوجداری بالاخانه شیشه‌گلی نمبر ۳۵، یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم هر ماه طبع و توزیع می‌شود".

عبارتی که در هر شماره درج می‌شد، نشانگر اهداف مدیر و راجع به روزنامه است؛ یعنی این روزنامه کاملاً به مسایل علمی جدید می‌پرداخت و درباره آنها بحث می‌کرد. فقط یک خبر سیاسی در هر شماره چاپ می‌شد و تمام مندرجات در زمینه جغرافیایی، تاریخی، بهداشتی، کشاورزی و اختراع و ابتکار نوین بود.

### ۲۱- آزاد

انتشار روزنامه آزاد تحت مدیریت و نظارت میرزا سید حسن کاشانی برادر مدیر روزنامه حبل‌المثین کلکته جلال‌الدین کاشانی در ۱۵ اوت ۱۸۹۹ م در شهر کلکته آغاز شده است که در هشت صفحه بود. این روزنامه با چاپ سنگی روزهای یکم، هشتم،

پانزدهم، بیست و دوم هر ماه منتشر می‌شد. در اصل، این روزنامه آزاد ضمیمه روزنامه مفتاح‌الظفر بود. راجع به آغاز این روزنامه، قبلاً در مفتاح‌الظفر صحبت شده است.<sup>۱</sup> در حقیقت مفتاح‌الظفر به دو بخش بود: بخش اول، اغلب به نام مفتاح‌الظفر و مندرجات آن کاملاً مربوط به علوم و فنون جدید بود؛ بخش دوم، در هشت صفحه، به نام آزاد موسوم گردید و مسایل سیاسی و اجتماعی را مورد بحث قرار می‌داد.

### ۲۲- مجمع‌الاکابر

این روزنامه هم به شکل هفتگی در شهر بمبئی منتشر می‌شد. اما هیچ‌جا نسخه اصلی آن پیدا نشده. امداد صابری و محمد افضل‌الدین اقبال از قول سراج‌الاکابر دهلی و اعظم‌الاکابر مدراس، وجود این روزنامه را اعلام می‌کنند.

علاوه بر این، روزنامه‌ای به نام دورین به فارسی منتشر می‌شد که در نهضت آزادی ۱۸۵۷ م، قربانی چنگال ظالمانه و استعماری انگلیسی گردید. نیز در پیشاور با عنوان مرفضایی و در حیدرآباد شفیق در سال ۱۸۷۸ م انتشار می‌یافت.

### منابع

- ۱- احسن‌الاکابر، ۲۵ جون (ژوئن)، ۱۸۴۷ م.
- ۲- اردو صحافت کی تاریخ (اردو)، نادر علی.
- ۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۱.
- ۴- تاریخ صحافت اردو، امداد صابری، ج ۱.
- ۵- تاریخ مشروطیت ایران، احمد کسروی، ج ۱.
- ۶- تاریخ مطبوعات و ادبیات مشروطیت تألیف پرفسور ای. جی. برون، ترجمه از محمد عباسی، ج ۱.

۱- مفتاح‌الظفر، شماره ۱۸، پانزدهم مه ۱۸۹۹ م.

- ۷- جنوبی ہند کی اردو صحافت (اردو)، دکتور محمد افضل الدین اقبال.
- ۸- مفتاح الظفر، شماره ۱۸، یازدهم مه ۱۸۹۹ م.
- ۹- نصرت الاخبار، دہلی، یکم اوت ۱۸۷۶ م.
- ۱۰- ہند و پاکستان میں اردو صحافت (اردو)، عبدالسلام خورشید.
- ۱۱- ہندوستانی اخبار نویسی، محمد عتیق صدیقی.
- 12- Abdul Ali: *Persian Newspapers in Honourable John Company's days, Bengal Past and Present, Journal, Vol. 33, 1977, p.34.*
- 13- J. Natrajan: *History of Indian Journalism.*
- 14- Md. Aslam Siddiqui: *Persian Press in India, Indo-Iranica, 1947.*
- 15- Mr. Carey: *Good Old Days of Honorable John Company, Vol. I, p.448.*
- 16- S.C. Sanial: *Islamic Culture, Vol. p.105.*
- 17- *Calcutta Journal, 23rd April, 1822, Vol. II, No. 98.*



\*\*\*

پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
 رتال جامع علوم انسانی